

مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۴۰۳ (ص ۴۸ - ۵۵)
دریافت: دی ماه ۱۴۰۳ پذیرش: اسفند ماه ۱۴۰۳

ارزیابی اخلاق دینی و اخلاق سکولار از دیدگاه علامه طباطبائی

Evaluation of religious ethics and secular ethics from Allameh Tabatabai's point of view

مهران گرجی زاده / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران
حبیب اله حلیمی جلودار / دانشیار دانشکده الهیات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران
سید حسن هاشمی / کارشناسی ارشد حقوق جزا . جرم شناسی، دانشگاه قم
زهرا کرم بین / کارشناسی ارشد فلسفه و کلام، دانشگاه آزاد اسلامی ساری

Mehran Gorjizadeh/ P.H.D student of Quranic and Hadith Sciences, Mazandaran university

M.gorjizadeh74@gmail.com

Habibollah Halimi Jلودار/ P.H.D of Quranic and Hadith Sciences, Associate Professor, Faculty of Theology and Islamic Studie.

Seyed Hasan Hashemi/ Master of Criminal Law and Criminology, University of Qom

Zahra Karambin / Master of Philosophy and Theology, azad university

Abstract

In religious ethics, there are attributes, rulings and rulings of truth in the text of the religion, and the ministry of this religion has authenticity, you see a reference for the formations and opinions of religious and moral principles and rulings, and as from the point of view of the researcher's ethics, it is related to life and the afterlife of a human without change is The goal of achieving religious ethics and scientific ethics from Allameh Tabatabaei is to be found. The results of achieving an expression of religious ethics and scientific ethics in a way of receiving different from Buddhist ethics and non-collective "Bishand" and "Dithirash" which means direct negation.

Keyword: Evaluation, religious ethics, secular ethics, Allameh Tabatabai.

چکیده

در اخلاق دینی صفات، رفتار و هنجارهای حاکم بر خواسته از متن دین می‌باشد و دین و گزاره های دینی را اصلی ترین مرجع برای تنظیم و ارائه اصول و قواعد رفتاری و اخلاقی می‌داند، اما اخلاق سکولار، نسبت به حیات و زندگی اخروی انسان بی اعتناست. هدف تحقیق حاضر ارزیابی اخلاق دینی و اخلاق سکولار از دیدگاه علامه طباطبائی می‌باشد. نتایج تحقیق بیان می‌کند اخلاق دینی و اخلاق سکولار دو طرز تلقی متفاوت از اخلاق بوده و غیرقابل جمع می‌باشند و پذیرش یکی به معنای نفی دیگری خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی، اخلاق دینی، اخلاق سکولار، علامه طباطبائی.

مقدمه

طرفداران اخلاق دینی ارزش حقیقی و کمال نهائی انسان را در قرب الهی و تشبیه به خداوند می‌دانند که در سایه تجربه زندگی معنوی و رفتارهای اخلاق دینی سبب می‌شود، البته در اخلاق دینی، رفاه و آسایش دنیوی انسان، از یاد نرفته و دنیا ناشایسته تعریف و توصیف نشده، گرچه وابستگی به دین و نیازدگی و غفلت از آخرت و ساحت معنایی و حقیقی انسان مذموم شمرده شده است. از نگاه دین‌شناسان در خصوص اخلاق دینی این اختلاف وجود دارد که یا دینی بودن اخلاق ناظر به امر الهی است چنانچه اشاعره بر این اعتقادند و یا آنکه در حوزه دین نیز نظام اخلاقی براساس حسن و قبح ذاتی و عقلی تفسیر شده است. مدعیان اخلاق دینی صفات، رفتار و هنجارهای حاکم را بر خواسته از متن دین می‌دانند و دین و گزاره‌های دینی را اصلی‌ترین مرجع برای تنظیم و ارائه اصول و قواعد رفتاری و اخلاقی دانسته، ارزش، کمال و سعادت دنیوی و اخروی را در دین جستجو میکنند.

در این رویکرد اخلاقی، آنچه برای انسان ارزش نهایی و حقیقی دارد قرب الهی است که در تجربه زندگی معنوی و اخلاقی برخواسته از تعالیم دینی به دست می‌آید. در نگاه اخلاق دینی، زندگی دنیوی در حاشیه نیست، ولی اصالت هم ندارد و در جایی که امر دایر بر فدا کردن رفاه دنیوی در برابر به دست آوردن سعادت اخروی باشد، اخلاق دینی فداکردن رفاه دنیوی را توصیه می‌کند.

طرفداران اخلاق سکولار بر این باورند که اخلاق دینی وظیفه‌گرا و تکلیف‌مدار است و حقوق بشر را نادیده می‌گیرد؛ از این رو معتقدند اخلاق باید از ساحت دین بیرون باشد و ارزش‌ها و قواعد اخلاقی بر مبنای اصول انسانی و زندگی دنیوی و رفاه عمومی تعریف و تعیین گردد (شانظری و عبدالهی، ۱۳۹۱، صص ۱۲-۱۱).

در این مقاله پس از تعریف اخلاق دینی و اخلاق سکولار و ویژگی‌های آن‌ها، دیدگاه علامه طباطبائی درباره مفاهیم بیان شده، ارائه می‌گردد که چگونه باید مرز مشترکی میان دو اخلاق که لفظ مشترکی دارند، کشید.

پیشینه پژوهش

مقاله ای با موضوع نزدیکی با این پژوهش تحت عنوان نسبت اخلاق دینی و اخلاق سکولار از منظر علامه طباطبائی در سال ۱۳۹۲ در مجله پژوهش نامه اخلاق به چاپ رسیده است. اما مقاله مذکور تنها به بیان و واکاوی مفاهیم اخلاق سکولار و اخلاق دینی پرداخته است اما در این پژوهش سعی شده نظرات علامه پیرامون اخلاق دینی و سکولار در کتب مختلفشان بیان شود تا توصیف درستی از بیاناتشان داشته باشیم.

۱- اخلاق

اخلاق، واژه‌ای عربی و جمع خَلْق یا خُلُق است. در لغت به معنای سرشت و طبیعت و همچنین روش و سلوک آمده است. واژه اخلاق وقتی از خَلْق گرفته شود، نظر به طبیعت و آفرینش ظاهری انسان است و هنگامی که از خُلُق گرفته شود ناظر به طبیعت و طینت باطنی اوست. لفظ اخلاق به تنهایی به یکی از دو طرف خوبی و بدی یا زیبایی و زشتی، انصراف ندارد، و نسبت به همه آنها اعم است، از این رو، برای نشان دادن هر کدام از این مفاهیم، این لفظ را باید به صورت صفت و موصوف به کار برد، همانند اخلاق خوب و اخلاق بد یا اخلاق زیبا و اخلاق زشت. مفهوم اخلاق در علوم ناظر به آن، کاربردهای متفاوتی دارد. چند مورد از کاربردهای این مفهوم از این قرار است: صفات راسخ نفسانی، صفات نفسانی، فضایل نفسانی، نهاد اخلاقی زندگی، نظام رفتاری حاکم بر افراد یک گروه، علم اخلاق و فلسفه اخلاق. از میان این معانی مختلف، معنایی که مورد توجه ماست معنایی است که همه رفتارهای اختیاری و صفات اکتسابی را شامل می‌شود. انتخاب این معنا به این دلیل است که هیچ رفتار و صفتی، در صورت اختیاری بودن، خارج از حوزه داورای های ارزشی و اخلاقی نیست، از این رو، همه عرصه‌های زندگی، اعم از اقتصاد، سیاست، تعلیم و تربیت، فرهنگ، حقوق و مانند آن را شامل می‌شود. تنها به یک نکته باید توجه کرد و آن حیثیت خاص مورد گفت و گو در این رفتارهاست. این حیثیت عبارت است از تأثیر این رفتارها در سعادت بشر که هدف غایی اخلاق محسوب می‌شود (مصباح، ۱۳۷۸، صص ۱۷-۱۳).

۲- اخلاق دینی

در اخلاق دینی هدف، حفظ و تقویت فضایل بنیادی در انسان است، ولی به این حداقل اکتفا نکرده و فضایل تعالی بخش و رذایل و انحطاط دهنده انسان را نیز ارائه کرده است؛ به گونه ای که انسان را به موجودی برتر و متعالی مبدل می‌سازد. از این رو در اخلاق دینی افزون بر حسن فعل، حسن فاعلی نیز لازم است یعنی اگر فعل برای رضایت خدا و در جهت الهی گونه شدن باشد اخلاقی است، در غیر این صورت از ارزش اخلاقی نهی است.

مهمترین ویژگی اخلاق دینی این است که در آن، نه تنها در مسائل جزئی از دین کمک گرفته میشود؛ بلکه بدون اعتقادات صحیح دینی، نمی‌توان اخلاق صحیحی پایه گذاری کرد. ویژگی دوم اخلاق دینی آن است که در اخلاق دینی علاوه بر توجه به سعادت دنیوی، آخرت نیز در نظر گرفته شده و اصالت به آن داده می‌شود. خصوصیت سوم اخلاق دینی آن است که هدف اخلاق را حفظ و تقویت فضایل پیشین و به وجود آوردن فضایی جدید در انسان می‌داند، به گونه ای که آنها را به موجوداتی برتر و متعالی مبدل سازد (صادقی، ۱۳۸۳، صص ۴-۵)

۳- اخلاق سکولار

اخلاق سکولار را می‌توان این گونه تعریف کرد: گرایشی است که طرف دار و مروج حذف یا بی‌اعتنایی و به حاشیه راندن نقش دین در ساحت اخلاق است (بیات و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۳۲۸). رونالد م. گرین، آن را راهی برای قانونمند ساختن رفتار افراد در جوامع می‌پندارد. وی معتقد است که اخلاق، عکس العملی است در برابر مشکل همکاری در میان افراد یا گروه های رقیب، و هدفش فرونشاندن نزاع هایی است که ممکن است در ظروف اجتماعی رخ دهد (الیاده، ۱۳۷۴، ص ۵).

گرین در تعریف خود، اخلاق را به طور مطلق آورده و ممکن است گمان شود که چنین تعریفی، اخلاق دینی را نیز شامل می‌شود، اما با توجه به صدر و ذیل کلام ایشان معلوم می‌شود، این تعریف ناظر به اخلاق سکولار است. وی معتقد است تقنین های اخلاقی، اگر چه گاهی به اعتقادات مشترک و عمومی، درباره امور فوق طبیعی یا مقدس (یعنی دین) متوسل می‌شوند، لکن این نکته برای توجیه اخلاقیات ضرورت ندارد، چه آنکه اخلاق می‌تواند به عقل یا ملاحظات مربوط به سعادت و رفاه بشر نیز تکیه داشته باشد (همان، ص ۶).

با توجه به این گمان، برای آنکه خلطی بین تعریف مطلق اخلاق و اخلاق سکولار صورت نگیرد، می‌توان قید توجیه پذیری بر اساس عقل یا ملاحظات مربوط به سعادت و رفاه بشر را به تعریف ایشان اضافه کرد. در این صورت، تعریف گرین از اخلاق سکولار چنین خواهد بود: اخلاق سکولار راهی است برای قانونمند ساختن رفتار افراد و عکس العملی است در برابر مشکل همکاری میان افراد یا گروه های رقیب، و هدفش فرو نشاندن نزاع هایی است که ممکن است در ظروف اجتماعی رخ دهد، مبتنی بر عقل یا ملاحظات مربوط به سعادت و رفاه دنیوی بشر.

در تعریف هایی که گفته شد، دو عنصر مشترک وجود دارد:

۱. عدم ابتدای اصول و قواعد اخلاقی بر دین.

۲. اصل قرار دادن حیات دنیوی و رفاه اجتماعی.

تعریف های فوق کمابیش شبیه هم بوده و از یک آبشخور فکری تغذیه شده و قابل تحمل می‌نمایند. اما وقتی به تعریف کسانی، از جمله ماکیاولی می‌رسیم، خواهیم دید که وی بدون پرده پوشی، مراد خود را از اخلاق سکولار به گونه ای بیان می‌کند که کمتر کسی بدان معتقد است یا دست کم کمتر کسی جرأت اظهار آن را دارد. می‌توان گفت تعریف ماکیاولی افراطی ترین تعریفی است که از این موضوع ارائه شده است. از نظر او قواعد اخلاقی، قواعدی فنی درباره وسایل نیل به تحصیل و حفظ قدرت اند، علاوه بر این، در این اخلاق، این قواعد بر این فرض استوار شده اند که همه انسا نها به گونه ای فاسد هستند. بنابراین، هرگاه خلف وعده و نقض عهد را به مصلحت خود دیدیم باید چنین کنیم، زیرا فرض بر این است که همه آدمیان پلید هستند و آنهايي که هم پیمان توأند در صورتی که منافعشان اقتضا کند آن را زیر پا خواهند گذاشت (ماکیاولی، ۲۰۱۴، صص ۱۲۹-۱۳۲). همچنین او معتقد است در این اخلاق، فرد را هیچ قید و بند اجتماعی، محدود و مقید نمی‌کند. غایات خود فرد (نه فقط غایات قدرت، بلکه همچنین غایات جلال و شهرت) برای او تنها معیار عمل است (همان، ۱۵۳).

برخی برای اینکه اخلاق سکولار را تعریف کنند سعی کرده اند با تعریف اخلاق مقابل آن، یعنی اخلاق دینی، مفهوم اخلاق سکولار را روشن سازند. آنها معتقدند که پیروان هر دینی، برای سخن عده ای خاص حجیت و قداست قائل اند، و آرا و تعالیم و احکام آنها را فوق سؤال دانسته و بی چون و چرا می‌پذیرند. اگر کسی معتقد باشد که برای دانستن غایت زندگی و راه رسیدن به آن، باید به سخنان این افراد که معمولاً در متون خاصی به نام متون مقدس گرد آمده است، مراجعه کرد، در آن صورت چنین کسی به اخلاق دینی قائل شده است و اگر کسی قائل باشد که برای فهم غایت زندگی و رسیدن به آن نباید به متون مقدس مراجعه کرد چنین کسی به اخلاق سکولار معتقد گردیده است (ملکیان، ۱۳۹۲، صص ۳-۲). به نظر می‌رسد این تعریف با تعریف هایی که پیش از این گفته شد، تفاوت چندانی ندارد. تنها تفاوت آن این است که تعریف های قبلی حالت ایجابی داشت و این تعریف، سلبی است. شاید مناسب ترین تعریف برای اخلاق سکولار و به عبارتی سکولاریسم در اخلاق این باشد که بگوییم: اخلاق سکولار گرایشی است مربوط به چگونگی صفات، رفتارها و هنجارهای حاکم بر آنها، مبتنی بر دیدگاه غیردینی یا ضد مرجعیت دینی که خواستار دخالت انحصاری و مطلق عقل خودبنیاد و علم در تنظیم امور زندگانی بوده، و سعادت دنیوی و رفاه اجتماعی بشر، تنها غایت مطلوب آن است.

۴- تفاوت اخلاق دینی با اخلاق سکولار

تفاوت اخلاق دینی با اخلاق سکولار در این است که در اخلاق سکولار، مرجعیت هیچ منبعی، جز خود انسان پذیرفته نیست. عقل خود بنیاد بشر، مرجع نهایی ارزش گذاری اخلاقی است. اما در اخلاق دینی، مرجعیت منبعی فوق بشری پذیرفته شده است. برای شناسایی آرمان ها و غایات بشر، همچنین راه رسیدن به آنها، در اخلاق دینی به متون مقدس مراجعه می‌شود؛ اما در اخلاق سکولار فقط از عقل بشر استفاده می‌شود. آنچه در پهنه تاریخ رخ داده، گویای آن است که اخلاق جوامع بشری تا عصر رنسانس، همواره اخلاق دینی بوده است. تنها در این پنج قرن آخر است که عملاً اخلاق سکولار به تدریج به جوامع انسانی راه یافته است. تنها در این پنج قرن آخر است که عملاً اخلاق سکولار به جوامع انسانی راه یافته است. امامی توان گفت که بنیان نظری اخلاق سکولار از یونان باستان وجود داشته است. علم اخلاق متعارف که از دوران باستان رواج دارد، بر این مبنا شکل گرفته است و این مکتب اخلاقی با اخلاق سکولار تطابق دارد؛ چون دین را مبنا قرار نداده، تنها بر منافع و مصالح دنیوی و اجتماعی تأکید دارد؛ اما قرآن روش پسند و عدم پسند مردم را مبنای اخلاق قرار نداده است و همه مواردی که به نتیجه صبر، بی‌صبری، اجتناب از تفرقه و ایجاد تفرقه، عفو و بخشش می‌انجامد و آثار و نتایج ارزنده‌ای دارند، در حقیقت به ثواب و عقاب اخروی مربوط می‌شوند (صادقی، ۱۳۸۳، صص ۲۵۶) این مطلب تفاوت اخلاق دینی و سکولار در غایت اخلاق را نشان می‌دهد.

۵- اخلاق دینی و اخلاق سکولار از دیدگاه علامه طباطبائی

علامه طباطبائی از اخلاق دینی که در بین برخی از متدینان جریان دارد و از اخلاق مبتنی بر مادیات (اخلاق سکولار) ارزیابی توصیفی و تحلیلی و انتقادی دارد که در بررسی نسبت اخلاق دینی و اخلاق سکولار می‌تواند پاسخ‌گوی برخی از ابهامات باشد.

۵.۱. ارزیابی اخلاق دینی

اخلاق دینی انبیا در راستای تکامل حقیقی انسان قرار دارد و در پرتو تعالیم انبیا، اخلاق ارتقا یافت؛ ولی اخلاقی که گروه‌هایی از پیروان ادیان به نام اخلاق دینی از خود نشان دادند، قابل نقد و دارای اشکالاتی است؛ برای نمونه، در فرهنگ برخی از جوامع دینی نسبت به اصول اخلاقی و قوانین اجتماعی بی‌اعتنایی می‌شود. اعتقاد کلیسایی مبنی بر فدا شدن حضرت مسیح برای آمرزش گنهکاران زمینه‌ساز سست شدن اجرای قوانین اجتماعی معرفی شده است. اعتقاد به فدا شدن حضرت مسیح موجب می‌شود مردم به اتکالی این تصور، خود را از چنگال مجازات قیامت رها سازند و لذا برخی گفته‌اند: «دینی که موضوع شفاعت و امثال آن را بپروراند، مایه نابودی اجتماع انسانی و عقب افتادگی تمدن و عقب‌گرد انسان می‌گردد. چنان‌که آمار موجود نیز نشان می‌دهد که طبقه دین‌داران بیش از سایرین دروغ می‌گویند و از عدالت دورترند و علتی جز این ندارد که آنها به حقانیت دین خود و شفاعت عقیده دارند و لذا پروایی از این‌گونه امور ندارند ...» در بیان مذکور، اعتقاد دینی موجب انحرافات اخلاقی دانسته شده است و انحرافات اخلاقی نیز موجب فساد اجتماع و عقب‌ماندگی تمدن می‌شود.

علامه طباطبایی ضمن انتقاد از تفسیر نادرست شفاعت، در پاسخ به سخن مخالفان دین با تردید در صحت آمار یادشده می‌گوید: اگر این آمار بر فرض درست باشد، مربوط به جمعیتی بی‌دین است که نام دین بر سر دارند، برخلاف آن جمعیت بی‌دینی که تعلیم و تربیت اجتماعی غیردینی را با ضامن اجرای آن داشته‌اند؛ یعنی سرپرستی داشته‌اند که قوانین را مو به مو در آنان اجرا کرده و صلاح اجتماعی آنان را حفظ نموده است. پس این آمارگیری هیچ دلالتی بر مقصود آنها، مبنی بر فسادآوری دین ندارد. (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ص ۳۶۱)

از مطالب مذکور چند نکته استفاده می‌شود؛ یکی اینکه، عقیده نادرست می‌تواند آثار سوء اخلاقی و اجتماعی به بار آورد؛ لذا اگر انحراف دینی کسانی که دارای عقیده نادرست هستند، موجب فساد شد، این دلیل نمی‌شود که دین موجب فساد اخلاقی شده است. دیگر اینکه برای اصلاح اخلاق و رفتار جامعه علاوه بر عقاید و قوانین شایسته، قوه مجریه صالح نیز لازم است؛ بنابراین اگر جامعه دینی، مجریان شایسته نداشته باشد، اخلاق آن جامعه نمی‌تواند مسیر ترقی را طی کند.

در پاسخ به کسانی که اعتقاد به شفاعت را موجب فساد و بی‌بند و باری اخلاقی می‌دانند، باید گفت مسئله شفاعت باید درست تفسیر شود. در اندیشه اسلامی، شفاعت به این شکل مطرح شده که مؤمنان به‌طور دائم در آتش جهنم نخواهند بود، به شرطی که خدای خود را با ایمان مورد رضای او و دین حق ملاقات نمایند. از طرف دیگر، قرآن می‌گوید گناهان به‌ویژه کبائر و مداومت بر آنها ایمان را در خطر شدید قرار می‌دهد. از مجموع این باورها در مؤمن یک حالت خوف و رجا حاصل می‌شود و او را از خمودی یأس و تنبلی اطمینان نگه می‌دارد. پس معلوم می‌شود که آموزه دینی شفاعت به مفهوم صحیح آن، نه تنها موجب فساد اخلاقی و اجتماعی نمی‌شود، موجب اصلاح آنها نیز می‌گردد.

در تعالیم اسلامی، قوانین اجتماعی اعم از مادی و معنوی طوری تنظیم شده که کلیه حرکات و سکنات فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و در هر مورد از تخلفات، مجازات مناسب در نظر گرفته شده است. برای اجرای قوانین علاوه بر حکومت اسلامی، نظارت عمومی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر هم در نظر گرفته شده است. همچنین احیای این فریضه در پرتو دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که توأم با تشویق به ثواب و تهدید به عقاب آخرت، روح ایمان را در دل‌ها دمیده و اساس تربیت دینی بر پایه تلقین ایمان به مبدأ و معاد قرار داده شده است. این رویه جاری بود تا اینکه دوران سلطنت بنی‌امیه و پیروان آنها فرا رسید و احکام خدا بازچیز دست آنها شد و حدود و سیاسات اسلامی تعطیل گردید. (همان، ص ۱۸۶)

بنابراین اخلاق دینی در صورتی به‌طور کامل به وجود می‌آید که هم اعتقادات صحیح باشد و هم نظارت عمومی خصوصاً نخبگان بر جریان امور جامعه برقرار باشد. در غیر این صورت، شاید جامعه دینی نه تنها به اهداف خود نائل نشود، خلاف مقصود حاصل شود. سخن علامه طباطبایی در مورد جامعه مسیحیت شاهد این ادعا است. ایشان در این باره می‌گوید: کاروان دین از کجا سر برآورد و در کجا پیاده شد. در آغاز به نام احیای دین (عقیده، اخلاق و اعمال) یا به تعبیر دیگر (معارف، اخلاقیات و شرایع) سر بر آورد و در بی‌دینی و لامذهبی و لغو شدن تمامی احکام دین و روی‌آوری به مادیات و حیوانیت خاتمه یافت. گفتنی است که آفت و آسیب مذکور مختص جامعه مسیحیت نیست؛ بلکه هر زمان اگر نخبگان به مسئولیت‌های دینی خویش توجه نکنند، این خطر همواره جوامع دینی اعم از جامعه اسلامی یا جوامع دینی دیگر را تهدید می‌کند؛ چون برنامه‌های دینی مانند نسخه پزشک است؛ اگر آن‌طور که پزشک گفته، عمل نشود، شاید مضر، بلکه مهلک باشد.

۵.۲. ارزیابی اخلاق سکولار

مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاق سکولار که آن را از اخلاق دینی متمایز می‌سازد، عبارتند از: نفی دین یا بی‌توجهی به آن در تنظیم اصول و قواعد اخلاقی، اصالت دادن به زندگی مادی در تنظیم رفتارها، تغییر مفاهیم اخلاقی و جابه‌جایی فضائل با رذائل (مانند جابه‌جایی ارزش‌مداری با سودگرایی، عدالت‌خواهی با منفعت‌طلبی، غیرت دینی با تساهل و تسامح، تعبد و تقید دینی با کاهلی و سبک‌سری و ...)، کم‌توجهی به مسئله نیت، حق‌گرایی در مقابل تکلیف‌گرایی، نسبی و ذهنی شدن ارزش‌های اخلاقی، تقدس‌زدایی آموزه‌های اخلاقی و تکثرگرایی (سربخشی، ۱۳۸۸، ص ۶۲). این ویژگی‌ها از آنجا ناشی می‌شود که اخلاق سکولار مبتنی بر این اندیشه است که انسان در عرصه‌های زندگی اجتماعی از جمله در اخلاق نیازی به دین ندارد و دین نباید در آن دخالت نماید. دو عنصر در بین قرائت‌های گوناگون اخلاق سکولار مشترک است: یکی نفی دین از عرصه زندگی اجتماعی و دیگری اِبتئای آن بر حیات دنیوی و مادی. علامه طباطبایی هر دو عنصر را نقد نموده، آنها را موجب سقوط فضائل اخلاقی می‌داند. وی در مورد عنصر اول اخلاق سکولار (مبتنی کردن اخلاق بر حس‌گرایی و مادی‌گرایی) با تبیین وضعیت قوم بنی‌اسرائیل و مقایسه تمدن امروز با آن

می‌نویسد: با دقت در داستان‌های مربوط به بنی‌اسرائیل معلوم می‌شود که آنها غرق در مادیات و دلباخته لذات حسی و زندگی صوری بودند؛ لذا در مقابل حقایق ماورای حس خضوع نمی‌کردند. همین روحیه، عقل و اراده آنها را در تحت انقیاد حس و ماده قرار داد و آنها را در یک تناقض مخصوص از جهت قول و عمل گرفتار نمود. (طباطبائی، ۱۳۹۴ق، ص ۲۱۰) تناقض به این صورت است که حس‌گرایی موجب می‌شود هرچه حس بر آن دلالت ندارد، قبول نکنند؛ اگر چه آن مطلب خوب باشد. از طرف دیگر، چون آنها مادی‌گرا هستند، هرچه بزرگان مادی‌گرایی می‌گویند و می‌پسندند، آنها نیز می‌پذیرند. لذا در مقابل انبیا و علمای ربانی که آنها را به خیر و صلاح دین و دنیا و معاش و معادشان دعوت می‌کردند، به سختی تسلیم می‌شدند؛ ولی دعوت افراد مغرض و متکبر و سرکش را خیلی زود می‌پذیرفتند. (همان) تصور نشود که این یک مطلب تاریخی است؛ بلکه در عصر حاضر همین مسئله وجود دارد. علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد: امروز نیز حق و حقیقت بر اثر نفوذ تمدن مادی غرب مبتلا به چنین بلایی است؛ چون شالوده تمدن مادی امروزی، دو اصل حس و ماده است؛ از یک طرف، دلایل غیر حسی را نمی‌پذیرند و از طرف دیگر، در مورد آنچه مربوط به لذات حسی است، از هیچ دلیلی سؤال نمی‌کنند و این مسئله موجب شده تا احکام مربوط به غرایز ابطال گردد و معارف عالی و فضائل اخلاقی از میان رفته، تهدید به نیستی شود و اجتماع بشری در معرض شدیدترین مفاسد قرار گیرد. (طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ص ۲۱۱) ماتریالیست‌ها به انحراف نظری و عملی خویش بسنده ننموده‌اند؛ بلکه سعی کرده‌اند پیروی از دین را تقلید و خرافه‌پرستی معرفی کنند.

این ادعای ماتریالیست‌ها بدون علم و خرافی است؛ چون اولاً، بخش اعتقادات دین مانند توحید، نبوت و سایر عقاید با برهان عقلی اثبات شده و در بخش فروعات از طریق گوینده که به صدق آن برهان داریم، ابلاغ شده است؛ لذا پیروی از دین در واقع پیروی از علم است؛ ثانیاً، ادعای خود حس‌گرایان بدون دلیل است. خصوصاً تقسیم دوره‌های زندگی بشر به چهار دوره - به ترتیب - اسطوره، دین، فلسفه و علم، که نه تنها مطلب بدون دلیل است، تاریخ دین و تاریخ فلسفه که الآن در دسترس است، خلاف آن را ثابت می‌کند؛ چون دین ابراهیم بعد از فلسفه هند و دین مسیح بعد از فلسفه یونان و دین اسلام بعد از فلسفه یونان و اسکندریه به وجود آمده‌اند و اوج دین بعد از اوج فلسفه محقق شده است. (همان، صص ۴۲۴ - ۴۲۳)

عنصر دیگر سکولاریسم اخلاقی، نفی دین از عرصه اجتماع از جمله اخلاق است. علامه طباطبائی با استفاده از ادله عقلی، نقلی و تجربی (عینی و میدانی)، برخلاف تفکر سکولاریستی، از حضور دین در عرصه اجتماع دفاع کرده، نقش سازنده و اصلاح‌گر دین را در عرصه اجتماع این چنین بیان می‌کند:

الف) دین بهترین و عالی‌ترین روشی است که می‌تواند اجتماع بشر را نظم داده و بیش از روش‌های دیگر مردم را به رعایت قوانین اجتماعی وادار نماید. انسان در برابر مقررات آزاد نیست؛ چون بدون التزام به مقررات، هرج و مرج می‌شود و انسان برای حفظ بخشی از آزادی خود به ناچار به محدودیت مقررات تن می‌دهد. (همان، ص ۹) یکی از ارکان جوامع متمدن، وجود قوانین و التزام عملی به آن است که چنین وضعی موجب محدودیت خواهد شد.

ب) سرچشمه اصلی ضعف قانون که سبب رخنه و فساد در جامعه می‌شود، توجه به مرحله مادی و بی‌توجهی به معنویات و غرایز دیگر است. (همان، ص ۱۱) حتی گماشتن نگهبان هم مشکل را حل نمی‌کند؛ اما دین علاوه بر وسائل نامبرده، دو ابزار نیرومند دیگر در اختیار دارد که می‌تواند جلوی طبع سرکش و غرایز دیگر را بگیرد و کاری کند که مقررات اجتماعی عملی شود؛ یکی ایمان به اینکه زندگی محدود به حیات دنیوی نیست؛ بلکه انسان حیات نامحدودی در پیش دارد. دوم اینکه، هرکاری انسان انجام دهد، به اختیار خود با خدای خویش دادوستد می‌کند. (همان، ص ۱۲) پس دین علاوه بر مزایای قوانین موضوعه ملت‌ها و کشورها برای اجرای قوانین مزیت‌های ویژه هم دارد.

ج) افکاری که جوامع با آن پرورش می‌یابند، دو قسم‌اند: یکی افکار و عقایدی مانند بشردوستی، خیرخواهی، ترحم به زیردستان که بر واقع‌بینی استوار است و این نوع افکار بدون شک از ادیان آسمانی گرفته شده است. دیگری افکار و عقاید بیهوده و موهوم که جز در بازار خرافات ارزشی ندارند؛ مثلاً بدون ایمان به خدا و معاد به افراد چنین تلقین شود که اگر در راه نجات کشور رنجی ببرند یا کشته شوند، نامشان در صفحات تاریخ با خطوط طلایی ثبت می‌گردد. این گونه پندارهای خرافی اگر چه نتایج عملی دارد، چندین برابر آن ضرر می‌رساند؛ چون آدمیان را خرافاتی بار می‌آورد و غریزه واقع‌بینی را از کار می‌اندازد. (همان، ص ۱۵) از مطالب یادشده برمی‌آید که تفکر سکولاریستی مبنی بر نفی دین از عرصه‌های زندگی اجتماعی از جمله اخلاق، موجب نقص در جامعه می‌شود. یکی از علل بحران‌های اخلاقی، معنوی و اجتماعی موجود در جوامع پیشرفته و صنعتی، کنار گذاشتن دین از عرصه اجتماع است.

بحث و نتیجه گیری

در اخلاق دینی، با توجه به جامعیت و تفسیر جامع دین از انسان، رویکرد دین هم در بخش مبانی و فلسفی اخلاق و هم در بخش نیازهای اخلاقی این است که دین راهنمای اخلاق است یعنی مبانی سعادت و کمال حقیقی و غایت قصوای انسان را ترسیم می‌کند، و به لحاظ نیازهای اخلاقی از قبیل بیان مفاهیم و گزاره‌هایی که در اخلاق به کار می‌روند معنای روشنی را ارائه می‌دهد، و سرانجام این که ارزش‌های اخلاقی را در قالب احکام کلی و گزاره‌های اخلاقی فرا روی انسان می‌گذارد و اطلاعاتی ناظر به واقع، مربوط به جهان پیرامون انسان از هستی‌شناسی، روان‌شناسی و... به انسان ارائه می‌کند. از این رو اخلاق دینی یک اخلاق حداکثری است و این حداکثری در اخلاق دینی برخاسته از نگاه جامع دین به انسان و تفسیر انسان شناسی فراطبیعی آن است، اما در اخلاق سکولار، به انسان و اخلاق نگاه حداقلی شده است، از این رو اخلاق را به ساحت دنیوی انسان محدود می‌کند، و به ناچار، نسبت به حیات و زندگی اخروی انسان بی‌اعتناست. بدیهی است این رویکرد به انسان و اخلاق مستلزم تغییر در ملاکات و تأیید نسبییت اخلاقی است و پوچ‌گرایی اخلاقی و شخصیتی را در پی دارد. و در نهایت اینکه توجه به ویژگی‌های اخلاق دینی و سکولاریستی نشان می‌دهد که این دو اخلاق، دو طرز تلقی متفاوت از اخلاق بوده و غیرقابل جمع می‌باشند و پذیرش یکی به معنای نفی دیگری خواهد بود.

منابع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] الیاده، میرچا، (۱۳۷۴)، فرهنگ و دین، برگزیده مقالات دایرةالمعارف دین، تهران، طرح نو.
- [۳] بیات، عبدالرسول و دیگران، (۱۳۸۱)، فرهنگ واژه ها، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی .
- [۴] سربخشی، محمد، ۱۳۸۸، اخلاق سکولار، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- [۵] شانظری، جعفر و عبداللهی، شیرین، (۱۳۹۱)، اخلاق دینی و اخلاق سکولار، فصلنامه علمی ترویجی اخلاق، س ۲، ش ۵.
- [۶] صادقی، هادی، (۱۳۸۳)، درآمدی بر کلام جدید، انتشارات طه و نشر معارف .
- [۷] طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۹۳ ق، المیزان، ج ۱، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- [۸] طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۹۴ ق، المیزان، ج ۱۹، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- [۹] ماکیاوللی، نیکولو (۲۰۱۴)، شهریار، ترجمه داریوش آشوری، تهران، انتشارات آگاه.
- [۱۰] مصباح، محمد تقی، (۱۳۷۸)، دین و اخلاق، قبسات، شماره ۱۳.
- [۱۱] ملکیان، مصطفی، (۱۳۹۲) جزوه مسائل جدید کلامی، موجود در کتابخانه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی به شماره ۱۲۳۷.